

زہرا ریکی*

تاریخ تأیید: ۸۸/۹/۲۵

امام عازم فرانسه شد. در طول چندماه، اقامتگاه امام خمینی (ره) به یک مرکز مهم خبری و سیاسی تبدیل شد و دولت فرانسه که سقوط رژیم شاه را پیش بینی می کرد، از فعالیت های مخالفین رژیم شاه در این کشور مانع نشد. رئیسکارداستن پس از شرکت در کنفرانس «گودالوپ» در ۱۵ دی ۱۳۵۷ برابر با ۵ ژانویه ۱۹۷۹ اعلام کرد: «که امیدی

دولت فرانسه در جریان انقلاب اسلامی ایران، نقش زیرکانه‌ای را ایفا کرد و در واقع با شرایط روز پیش میرفت. در مهرماه ۱۳۵۷، امام خمینی (ره) تصمیم گرفت از عراق به پاریس عزیمت نماید. فرانسه نظر دولت ایران را در این مورد جو یا شد و چون با مخالفتی مواجه نشد،

*کارشناس ارشد روابط بین الملل



به بقای رژیم پهلوی نیست و شاه باید تسلیم نظرات رهبران انقلاب شود.^(۱)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مناسبات سیاسی بین دو کشور در سطح سفارت برقرار بود و جمهوری اسلامی اولین سفیر خود بنام شمس الدین امیرعلایی را به فرانسه اعزام داشت. وی در خرداد ماه ۱۳۵۸ توسط والرئیسکارستن، رئیس جمهور وقت فرانسه، در کاخ الیزه به

حضور پذیرفته شد و استوارنامه خود را تسلیم کرد. در این دوره فرانسه هنوز از مواضع قطعی جمهوری اسلامی ایران در زمینه سیاست خارجی آگاه نبود و با توجه به حضور دولت موقت، احتمال اتخاذ مواضع تند انقلابی را از طرف ایران نمی داد. اما حمایت فرانسه از عوامل ضدانقلاب در این کشور، موجب شد که روابط دو کشور در تیر ماه ۱۳۵۹ به سطح کاردار تنزل یابد. از سوی دیگر تصمیم شورای انقلاب به ملی کردن بخش عمده ای از صنایع که بعضاً با سرمایه خارجی برپا شده بود، مخالفت و واکنش محافل اقتصادی فرانسه را برانگیخت. دولت ایران به صورت یک جانبه بسیاری از قراردادهای در زمینه تجهیزات اتمی، صنایع سنگین، اتومبیلهای سواری و مبادلات کشاورزی با فرانسه را لغو کرد و پاره ای از شرکت های فرانسوی که از این اقدام متضرر شده بودند به دادگاه های این کشور شکایت کردند.

مواضع دولت فرانسه در قبال کشورمان پس از آگاهی از سیاست خارجی انقلابی جدید جمهوری اسلامی در خصوص نفی کامل و بدون قید و شرط سلطه آمریکا و هم پیمانانش بر کشور، تکیه بر شعار نه شرقی - نه غربی، پشتیبانی از حرکت های اسلامی و آزادیبخش و

دوستی با ملت های مستضعف، دستخوش تغییراتی شد. اگر چه میزبانی کوتاه فرانسه از امام خمینی (ره) در ماههای پایانی رژیم پهلوی می توانست، زمینه ساز روابط دوستانه و متفاوت با دیگر کشورهای غربی میان ایران و این کشور باشد، اما سیاست فرانسه در جریان جنگ تحمیلی و حمایت این کشور از صدام از آغازین روز جنگ، روابط دو کشور را در مسیری متفاوت قرار داد.

آغاز روابط گسترده عراق و فرانسه به سال ۱۹۷۶ میلادی باز می گردد. در آن سال، صدام حسین ضمن بازدید از فرانسه موفق شد قراردادهای متعددی از جمله، در زمینه تأسیس راکتور اتمی در عراق و تجهیز این کشور به فناوری و کارشناسان اتمی (که در جای خود به تفصیل به آن اشاره خواهد شد) و همچنین نظارت فرانسه بر ایجاد متروی بغداد و غیره به امضا برساند. رژیم عراق با موفقیت در ایجاد ثبات داخلی و نیز در زمینه های اقتصادی به تدریج در صحنه بین المللی به ویژه در میان کشورهای عربی برای خود اعتبار و پرستیژ ایجاد می نمود. در این هنگام رهبری عراق در صدد بود روابط خود را به موازات روابط با شوروی با کشورهای غربی نیز گسترش دهد تا از وابستگی اش به شوروی بکاهد و

مقابل ایران نیستیم».^(۲)

هدف اصلی مقاله حاضر پاسخ به این پرسش است که با توجه به روابط دوستانه فرانسه و ایران در اوایل انقلاب، همکاری فرانسه با عراق در جنگ چگونه قابل ارزیابی است؟ در این راستا سعی بر این است این فرضیه را که چون در محیط بین المللی اجماعی در جهت منزوی ساختن و جلوگیری از قدرتمند شدن ایران در منطقه به وجود آمده بود، فرانسه نیز موضعی در همین جهت و در حمایت از عراق در پیش گرفت، مورد آزمون قرار دهیم. مواضع و عملکرد فرانسه در جنگ ایران و عراق در

چند مرحله از جنگ و تحولات برجسته این جنگ و یا روابط هر یک از این دو کشور با فرانسه قابل بررسی است که در زیر به اختصار تشریح می شود.

مواضع فرانسه در قبال آغاز جنگ، مرحله اول جنگ (۱۳۵۹)

دولت عراق که پیشاپیش

نقشه های وسیعی برای تهاجم به ایران داشت، به زمینه سازی دیپلماتیک نزد کشورهای اروپای غربی پرداخت. در ماه ژوئن ۱۹۸۰ (تیرماه سال ۱۳۵۹) یعنی دو ماه پیش از آغاز جنگ، سعدون حمادی، وزیر امور خارجه عراق، از پاریس دیدار کرد و دو دولت نظرات مشترک شان را در خصوص مسایل خاورمیانه و توافق دو کشور برای نگه داشتن منطقه خلیج فارس از درگیری های بین المللی اعلام کردند. با آغاز تهاجم نیروهای عراقی به خاک ایران، سفرهای سیاسی دولتمردان عراقی به فرانسه بیشتر شد. در سوم مهرماه سال ۱۳۵۹ سخنگوی ریاست

موقعیت بهتری را برای ایفای نقش موثر منطقه ای فراهم آورد. این تمایل عراق با هدف فرانسه مبتنی بر تقویت حضور خویش در منطقه خلیج فارس هماهنگی داشت. نزدیکی فرانسه به عراق با هدف تضمین جریان نفت و دسترسی به بازارهای پرمصرف منطقه صورت می گرفت. به علاوه از نظر سیاسی نیز نزدیکی فرانسه به عراق حضور کشورهای غربی را در کشوری که آشکارا به اتحاد شوروی وابسته بود تقویت می کرد.^(۳)

نزدیکی عراق به فرانسه را این گونه می توان تحلیل کرد، که فرانسه با ارایه چهره مستقل از سیاست خارجی خود در زمینه مسایل بلوک غرب، می توانست به خوبی نقش واسطه را در نزدیک شدن عراق به غرب ایفا کند. از سوی دیگر، دولت عراق تمایل داشت ضمن حفظ روابط با شوروی (سابق)، از فن آوری و مزایای غرب نیز بی بهره نماند. در این راستا، واردات تجهیزات نظامی عراق از شوروی از ۹۵ درصد در سال ۱۹۷۲ به ۶۳ درصد در سال ۱۹۷۹ کاهش یافت. این درحالی بود که طی سال های ۱۹۷۸-۱۹۷۹ واردات تجهیزات نظامی عراق از فرانسه بالغ بر ۲/۲ میلیارد دلار بود و در سال های بعد نیز افزایش چشم گیری پیدا کرد.^(۴)

تهاجم ارتش عراق به ایران و آغاز جنگ در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹، زمینه همکاری تسلیحاتی عراق و فرانسه را افزایش داد. تحلیل کشورهای غربی و فرانسه بر این پایه استوار بود که پیروزی ایران بر عراق جغرافیای سیاسی منطقه را دگرگون نموده و علاوه بر اینکه حیات سیاسی رژیم های منطقه را در معرض نابودی قرار می دهد، خسارات جبران ناپذیری نیز بر منافع غرب وارد می سازد، به طوری که تعادل نیروها در خاورمیانه بر هم می خورد. بنابراین تحمل چنین وضعی به هیچ وجه در جهت منافع غرب نبود. در این مرحله، فرانسوا میتران، رئیس جمهور وقت فرانسه، اعلام نمود که سیاست کشورش ایجاد موازنه بین دنیای عرب و فارس می باشد و تأکید نمود که: «ما حاضر به مغلوب شدن عراق در

نزدیکی فرانسه به عراق
با هدف تضمین جریان نفت
و دسترسی به بازارهای
پرمصرف منطقه
صورت می گرفت

نظامی برای مقابله با ایرن یادآوری کرد و موافقتنامه‌ای بین طرفین امضا گردید. طارق عزیز بعد از این دیدار در مصاحبه با روزنامه لوموند با توصیف وضعیت عراق اعلام کرد: «ما از این پس قوی تر و متحدتر خواهیم بود و اگر جنگ ادامه پیدا کند، کنترل دولت مرکزی ایران بر مناطق مختلف تضعیف خواهد شد و می توان حدس زد که در آن صورت چه خواهد شد.»^(۶) در طول سه ماه اول جنگ، طارق عزیز دوبار به پاریس رفت و در جریان سفر دوم در ۱۴ آبان ماه ۱۳۵۹، در مورد تحویل ۶۰ فروند جنگنده بمب افکن میراث f-1 که به تعویق افتاده بود با رئیس جمهور فرانسه مذاکره کرد. در پی این دیدار در دوم فوریه ۱۹۸۱ عراق فاش ساخت اولین محموله شامل ۴ فروند میراث سفارش شده طی قرارداد ۱۹۷۷ را از فرانسه دریافت کرده است.^(۷)

همچنین پس از این دیدار، والرئ ژیسکاردستن ضمن انتقاد از موضع آمریکا و تمجید از موضع فرانسه اعلام کرد: «آمریکا از ایران حمایت نموده که با این عمل به طولانی تر شدن جنگ کمک می کند، فرانسه مایل به حل مسالمت آمیز جنگ است و این همان راهی است که عراق از آن پیروی می کند.» گسترش مناسبات عراق و فرانسه بازتاب گسترده‌ای داشت. وال استریت ژورنال در مورد روابط دو کشور عراق و فرانسه نوشت: «فرانسه که به نفت عراق متکی است، در سال اخیر با دقت و توجه زیادی موفق به جلب دوستی بغداد شده و ظاهراً سفارش های بیشتری برای میلیاردها دلار اسلحه و مهمات نظامی اخیراً از این کشور عربی دریافت داشته است.» همچنین روزنامه اکسپرس چاپ لندن در مورد ماهیت تلاش های فرانسه مبنی بر واگذاری تجهیزات به عراق نوشت: «پاریس سعی دارد از روشی پیروی کند که به او اجازه دهد قدمی در راه صلح بردارد اما دلایل عراق برای اجرای خواسته هایش از جانب فرانسه فوق العاده مهم است» در واقع فرانسه با برخورداری از شرایط لازم برای بدست گیری ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق با

جمهوری فرانسه در خصوص جنگ ایران و عراق اظهار داشت: «ریشه این اختلاف کاملاً دو جانبه است و دولت فرانسه شدیداً نسبت به عواقب این رویارویی نگران است و خواستار حل اختلاف از راه های سیاسی است.» دولت فرانسه از همان ابتدای جنگ به طور آشکار حمایت خود را از اقدام عراق در حمله به ایران اعلام نمود. نخست وزیر فرانسه در ۷ مهرماه سال ۱۳۵۹ در واکنش به حمله عراق اظهار داشت: «عراق هیچ کاری نمی کند جز بازپس گرفتن خاک خود.» وی میانجیگری فرانسه میان ایران و عراق را رد کرد و اظهار داشت: «فروش سلاح در

چارچوب همکاری موجود میان فرانسه و عراق صورت می گیرد و عراق برای بدست آوردن سرزمین هایش طبق معاهده ۱۹۷۵ که ایران آن را تصرف کرده می جنگد.»^(۵)

بعد از آغاز جنگ، شوروی بزرگ ترین تأمین کننده تسلیحاتی

عراق، اقدام به قطع ارسال محموله های نظامی به این کشور نمود. به دنبال قطع ارسال تجهیزات نظامی شوروی به عراق، عراق تلاش بسیاری برای تأمین نیازهای نظامی خود از دیگر کشورها نمود. در واکنش به این اقدام شوروی، صدام در دومین اجلاس عادی مجلس ملی عراق در تاریخ ۱۳/۸/۱۳۵۹ اظهار داشت: «دوستانی در جهان داریم که می توانیم از آنها اسلحه و قطعات یدکی بدست آوریم.» بلافاصله بعد از این اظهارات طارق عزیز، معاون وزیر خارجه عراق، عازم فرانسه شد و در دیدار با رئیس جمهور این کشور، نیاز عراق را به جنگنده های بمب افکن و سایر تجهیزات

از نظر سیاسی،
نزدیکی فرانسه به عراق
حضور کشورهای غربی را
در کشوری که آشکارا به
اتحاد شوروی وابسته بود
تقویت می کرد

توجه به موقعیت نامناسب آمریکا و شوروی در این زمینه و همچنین تلاش های جدید خود در فروش تجهیزات نظامی به عراق و کمک به راه اندازی تأسیسات هسته ای می توانست میدان مانور و موقعیت مناسبی را بدست آورد.^(۸)

بعد از این دیدار، فرانسه اعلام کرد که ارسال تسلیحات سفارش داده شده از جمله بخشی از معامله تسلیحاتی ۷۶ میلیارد دلاری عراق با فرانسه شامل ۶۰ فروند جنگنده میراژ، رادار، موشک های هوا به هوا و هوا به زمین، تسلیحات ضد تانک را ادامه خواهد داد. فرانسه همچنین موافقت کرد که این سفارش ها را گسترش دهد تا موشک های سطح به هوا را در بر گیرد و محموله های هلیکوپتری و توپخانه ای را تسریع کند.^(۹) همچنین در سپتامبر ۱۹۸۰ نیز مذاکره بر سر تحویل ۱۵۹ فروند هواپیمای آلفاجت بین فرانسه و عراق آغاز شد و قراردادهای جدید فروش اسلحه منعقد گردید. همچنین در نوامبر آن سال ۶۰ فروند میراژ F-1 به عراق تحویل گردید.^(۱۰) این در حالی است که ایران در ابتدای جنگ، قرارداد خرید ۳ ناوچه موشک انداز را با فرانسه امضا کرده بود اما به علت وضع مجازات های اقتصادی به وسیله بازار مشترک اروپا، ناوچه های مزبور در بندر «شرزبورگ» فرانسه توقیف بودند. به دنبال تحویل ۴ فروند هواپیمای میراژ F-1، سفارت ایران در پاریس طی اعلامیه ای اقدام دولت فرانسه دایر بر حمایت از عراق را محکوم کرد. در این بیانیه آمده بود: «با تأسف اطلاع یافتیم که وزارت خارجه فرانسه با تحویل ۴ فروند هواپیمای میراژ به عراق موافقت نموده است. تصور این مطلب که فرانسه کشوری است که رهبران آن در هر فرصتی دم از احترام به آزادی، دموکراسی و دوستی و همدردی با ملت ها میزنند، چنین سلاح های جنگی مهمی به یک کشور متجاوز و ستمگر چون عراق تحویل خواهد داد، مشکل است. ملت ایران هرگز این اقدام فرانسه را از یاد نخواهد برد.»^(۱۱)

همکاری های فرانسه و عراق طی سال ۱۳۶۰ ادامه یافت. همانطور که قبلاً ذکر شد در دهه ۱۹۷۰ براساس موافقنامه ای که بین عراق و فرانسه منعقد شده بود شرکت های فرانسوی ساختن نیروگاه هسته ای «تیموز یک» را در نزدیکی بغداد آغاز کردند که توانایی تولید پلوتونیوم را داشته باشد.^(۱۲) بدنبال این درخواست، فرانسه با ساخت راکتور جدید موافقت نمود که در جولای ۱۹۸۱ پایان داد. با ساخت راکتور «اوزیراک» در عراق توسط فرانسه، در ژوئن ۱۹۸۱ اسرائیل که نگران برنامه هسته ای عراق بود به آنجا حمله کرد و راکتور را به طور کامل منهدم نمود.

با به قدرت رسیدن سوسیالیست ها در فرانسه، زمینه همکاری رژیم عراق که تمایلات سوسیالیستی داشت با فرانسه افزایش یافت

پس از این اقدام، رئیس جمهور فرانسه حمله اسرائیل به راکتورهای عراق را محکوم کرد و قول بازسازی آنها را داد. عربستای سعودی نیز در جولای ۱۹۸۱ از فرانسه خواست تا دوباره راکتور را بری عراق بسازد و اعلام نمود که هیچ چیز نباید مانع تحقق این

هدف گردد. با به قدرت رسیدن سوسیالیست ها در فرانسه، زمینه همکاری رژیم عراق که تمایلات سوسیالیستی داشت با فرانسه افزایش یافت.^(۱۳) به طوری که در اردیبهشت ماه ۱۳۶۰، قراردادی به مبلغ ۹۰۰ میلیون دلار بین عراق و شرکت «تامسون بی سی اف» فرانسوی برای تحویل یک شبکه صنعتی الکترونیکی در سامرا منعقد شد که به ساخت رادیو و رادار اختصاص یافت. همچنین قرارداد دیگری به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار برای تحویل موشک های مایژیک ۵۵۰-۱۵ گزوست، هلی کوپتر سوپر فرلون و تعدادی زره پوش منعقد گردید.^(۱۴) وزارت خارجه ایران در واکنش به انتخاب میتران به

خارجه ایران در مصاحبه با لوموند اعلام کرد: «تا وقتی فرانسه، بنی صدر و رجوی و ریابندگان ناوچه تیزرین را به ایران تحویل ندهد روابط ایران و فرانسه به حال عادی در نخواهد آمد.»^(۸) به دنبال این جریان سطح روابط دو کشور تنزل یافت.

در مقابل، روابط دو کشور عراق و فرانسه نزدیک تر شد. طارق عزیز، معاون وزیر نفت عراق، در یک سفر سه روزه به فرانسه با میتران، رئیس جمهور این کشور، درباره بازسازی راکتور اتمی عراق گفتگو کرد.^(۹) یک منبع نزدیک به شرکت فرانسوی (سرترا) اعلام کرد: «این شرکت یک قرارداد ۲۷ میلیون دلاری برای ایجاد یک تلمبه خانه نفت در بصره امضا نموده است.»^(۱۰) همچنین در مهرماه ۱۳۶۰ میشل ژوبر، وزیر بازرگانی فرانسه، که برای یک دیدار رسمی وارد بغداد شده بود گفتگوهای خود را با مقامات عراق برای تحکیم هرچه بیشتر روابط اقتصادی دو کشور به ویژه در زمینه انرژی هسته ای آغاز کرد. در این سفر اعلام شد دو قرارداد مهم بین دو طرف امضا خواهد شد. به موجب این قراردادها فرانسه ۲۰۰ دستگاه واگن به عراق به فروش رساند.^(۱۱)

سیاست فرانسه در ارتباط با جنگ تحمیلی، از آغاز درحمایت از عراق خلاصه میشود. بنابراین مشاهده می کنیم که فرانسه علاوه بر سکوت در قبال تجاوز عراق به ایران به حمایت از اقدام عراق پرداخت و این حمایت نه تنها حمایت سیاسی، بلکه حمایت نظامی و اقتصادی را نیز در برمی گرفت.

سیاست فرانسه در مرحله دوم جنگ (۱۳۶۲-۱۳۶۰)

به دنبال وضع مجازات های اقتصادی علیه ایران از سوی آمریکا و جامعه اقتصادی اروپا، فرانسه نیز حکمی مبنی بر منع صدور کالا به مقصد ایران صادر نمود. در پی این مسئله روابط ایران و فرانسه به تدریج رو به سردی گذاشت. در شهریورماه ۱۳۶۰ ناوچه ایرانی تبریزین توسط عده ای از افسران تبعیدی از آب های ساحلی اسپانیا

ریاست جمهوری فرانسه با انتشار اطلاعیه ای در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ اعلام داشت: «اگر دولت جدید فرانسه صدور تسلیحات و اورانیوم را به عراق قطع نماید و از سیاست استعماری خود دست بردارد جمهوری اسلامی ایران در روابط خود با این کشور تجدیدنظر خواهد کرد.»^(۱۲) اما دولت جدید فرانسه نه تنها ارسال تجهیزات نظامی و اورانیوم را به عراق قطع نکرد بلکه میزان مبادلات و کمک های نظامی و حمایت های سیاسی از عراق از سوی فرانسه افزایش یافت. در مرداد ماه ۱۳۶۰ «کلودشسون» وزیر امور خارجه درباره روابط خارجی فرانسه با طرفین درگیر

در جنگ اظهار داشت:

«عراق هواپیماهای میراژ را که در دو سال گذشته سفارش داده بود دریافت خواهد کرد و از سوی دیگر نیز دولت فرانسه اجازه داده است ۳ قایق تندرو موشک انداز که آخرین سری از ۱۲ فروند آن است که در زمان شاه به فرانسه سفارش داده

شده بود به ایران تحویل شود.»^(۱۳)

به دنبال فرار بنی صدر و رجوی و پناهنده شدن آنان به فرانسه، وزارت خارجه ایران به سفیر فرانسه ابلاغ نمود که ظرف مدت سه روز ایران را ترک کند. در اطلاعیه وزارت امور خارجه آمده بود: «از آنجایی که دولت فرانسه علی رغم قرارداد استرداد مجرمین میان ایران و آن کشور، به بنی صدر و رجوی پناهندگی سیاسی داده است و به درخواست دولت ایران برای استرداد مجرمین جواب منفی داده لذا از سفیر فرانسه در ظرف سه روز باید ایران را ترک گوید.»^(۱۴) به دنبال این مسئله، روابط دو کشور تیره گردید. احمد عزیزی معاون وزارت

به دنبال فرار بنی صدر و رجوی و پناهنده شدن آنان به فرانسه، وزارت خارجه ایران به سفیر فرانسه ابلاغ نمود که ظرف مدت سه روز ایران را ترک کند

فرانسه و انگلستان در زمینه تأمین تجهیزات نظامی عراق حمایت کرد.^(۳۳) مهم ترین دیدگاه مشترک این کشورها و آمریکا جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ بود.

کلود شسون، وزیر امور خارجه فرانسه، در سفر به بغداد اظهار داشت: «عراق در خط مقدم رویارویی با خطری قرار دارد که ثبات و امنیت منطقه، بلکه جهان را تهدید می کند.» برای رویارویی با این خطر بود



که سیل کمک های نظامی و اقتصادی کشورهای اروپای غربی و بسیاری از کشورهای جهان به سوی عراق سرازیر گردید. فرانسه یکی از مهم ترین کشورهای اروپای غربی بود که در ردیف دومین کشورهای صادرکننده سلاح به عراق جای گرفت.^(۳۴) پس از فتح خرمشهر، مناسبات فرانسه با عراق افزایش یافت و بسیاری از تسلیحات پیشرفته شامل هواپیماهای میزاف و سوپراتاندارد و سایر تجهیزات نظامی همراه با کمک مستشاری و حمایت های سیاسی و دیپلماتیک، در اختیار عراق قرار گرفت. با فتح خرمشهر همان عوامل اصلی که باعث نگرانی آمریکا و شوروی بود، به طور جدی سیاست های برخی از کشورهای اروپایی همانند فرانسه، انگلیس و آلمان را تحت تأثیر قرار داد که فشار بر ایران و حمایت از عراق، خط مشی کلی این کشورها شد.^(۳۵) فرانسوا میتران در سال ۱۹۸۲ در دیدار رسمی خود از مصر ضمن یادآوری اهمیت جنگ ایران و عراق به سیاست دیرینه کشورش دایر بر حفظ موازنه هزار ساله بین جهان عرب و جهان فارس اشاره کرد و گفت: «ما مایل نیستیم عراق در این جنگ مغلوب گردد و موازنه نظامی - سیاسی میان جهان عرب و ایران باید حفظ گردد.»^(۳۶)

ربوده شد. فرانسه به رباپندگان این ناوچه پناهندگی سیاسی داد و از آنها حمایت قانونی نمود. در مقطع دوم یعنی از اواسط سال ۱۳۶۱، اواخر سال ۱۹۸۲، دور جدیدی در موضع گیری کشورهای منطقه و غرب از جمله فرانسه در خصوص درگیری های نظامی بین دو کشور ظاهر شد. خطر تهدید انقلاب اسلامی علیه سیستم حاکم بر منطقه و بازیگران اصلی و فرعی آن تمام ابرقدرت ها را به موضع واحدی سوق داده و آن حمایت از عراق و تلاش برای پایان دادن به جنگ بود. این حمایت ها ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی را در بر می گرفت.^(۳۷)

به دنبال آغاز پیشروی های ایران و انجام چندین عملیات موفق از جمله عملیات های ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس موجی از ترس در بین کشورهای غربی و منطقه ایجاد شد. آمریکا با پیروزی های ایران نام عراق را از لیست کشورهای حامی تروریسم خارج نمود و کشورهای منطقه را به افزایش کمک های مالی به عراق تشویق کرد. در این راستا، کشورهای کویت، عربستان، امارات و قطر جمعاً ۱۷۵ میلیارد دلار به عراق کمک مالی اعطا کردند. آمریکا همچنین از سیاست های متحدان اروپایی خود از جمله

انواع مختلف بالگرد، رادارهای ضد پیسیت تامسون، سیستم های اختلال الکترونیکی هوایی، بمب های Durandel، بمب های هدایت شونده با لیزر و هزاران موشک اگزوسه و انواع دیگر موشک ها نام برد. به طوری که بعضاً ۴۰ تا ۵۰ درصد تولیدات شرکت های فرانسوی سازنده موشک، تنها به عراق اختصاص داشت.^(۲۸)

خبرگزاری کویت طی گزارشی نوشت: «ارزش سلاح های دریافتی رژیم بعث عراق از فرانسه در سال های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ بالغ بر ۴۱ میلیارد فرانک بوده است. در پی بروز بحران مالی در عراق، عربستان موافقت کرده است که از جانب عراق به فرانسه نفت بفروشد.» این گزارش می افزاید: «عربستان و عراق مهم ترین مشتریان سلاح های فرانسوی هستند و در حال حاضر ۷۵ درصد از سلاح های فرانسوی به خاورمیانه و شمال آفریقا به ویژه کشورهای تولیدکننده نفت، از جمله عربستان و عراق و سایر کشورهای خلیج فارس صادر می شود.»^(۲۹) علاوه بر افزایش فروش تجهیزات نظامی به عراق به منظور تأمین آزادی عبور و مرور از تنگه هرمز، فرانسه ناو هواپیمابر «فوشق» را که توسط ناوچه موشک انداز «وکسن» اسکورت می شد راهی اقیانوس هند در نزدیکی تنگه هرمز نمود تا به ناوگان فرانسوی مستقر در آنجا ملحق شود. هدف این ناوگان همکاری با سایر کشورهای غربی برای جلوگیری از بسته شدن تنگه هرمز از سوی ایران و اسکورت و کمک به کشتی های تجاری و نفتکش ها بود.^(۳۰)

بنابراین، در مقطع دوم جنگ یعنی از اواخر سال ۱۹۸۲ دور جدیدی در موضع گیری کشورهای منطقه و غرب به طور عام و فرانسه به طور خاص درخصوص جنگ ایران و عراق ظاهر شد. فرانسه نیز مانند سایر کشورها در جهت تقویت عراق بر حمایت خود از این کشور افزود و چه در زمینه سیاسی در موضع گیری هایش در سازمان ملل و چه در زمینه ارسال تجهیزات نظامی در جهت افزایش قدرت و توانایی عراق

در سال ۱۹۸۲، ۴۰ درصد از صادرات تسلیحات فرانسه به عراق ارسال شد. این تسلیحات، میراژ F-1، موشک های هوا به هوا به هوای ماژیک 1، موشک های اگزوست AM-39 و هلی کوپترهای سوپرفلون الوت، گازون، و تانک های M-X را نیز شامل می شد. عراق همچنین یک قرارداد به ارزش ۶/۵ میلیارد دلار تحت عنوان (پروژه فاو) با سه شرکت خصوصی فرانسه امضا کرد. عراقی ها پیش بینی کرده بودند در سه مرحله، از ساخت هواپیما و صنعت فضایی برخوردار شوند و به جای تعمیر و ارائه خدمات به میراژهای F-1 در فرانسه در کشور خود به این امر اقدام کنند. همچنین عراقی ها امیدوار بودند که با احداث کارخانه هواپیماسازی و با انتقال تکنولوژی، هواپیمای آموزشی الفاجت ۱۳۴، محصول مشترک آلمان و فرانسه را تولید کنند. در مرحله پایانی، عراق می توانست هواپیمای میراژ ۲۰۰۰ را به عنوان بمب افکن جدید که در ارتفاع پایین پرواز می کرد و دستگاه رادار آن می توانست دفاع هوایی را گمراه کند، تولید کنند. افزون بر این، فرانسوی ها در ساخت راکتور اتمی و فراهم کردن زمینه دستیابی عراق به سلاح اتمی نقش برجسته ای ایفا کردند.^(۳۱)

علاوه بر آن، فرانسه ۸۵ دستگاه توپ ۱۵۰ میلیمتری به ارزش ۱۶۰ میلیون دلار و موشک های AS3OL که یکی از مهم ترین تولیدات کمپانی آئرو اسپاسینال می باشد و کیفیت آن از نوع آمریکایی هم بالاتر بود را به عراق فروخت که تولید سری آن در سال ۱۹۸۴ آغاز شده بود. ارتش عراق ۵۸۶ فروند از این موشک ها را سفارش داد و ۲۴۰ فروند آن را دریافت نمود. فروش تسلیحات پیشرفته فرانسه به عراق فقط محدود به جنگنده های بمب افکن میراژ ۲۰۰۰ و توپ های ۱۵۵ میلیمتری و موشک های AS3OL نبود بلکه حتی برخی از سلاح های دیگر با تکنولوژی پیشرفته توسط صدام حسین به کارخانجات فرانسوی سازنده سفارش داده می شد. در این میان می توان از خودروهای زرهی سبک،

دوستان فرانسه به جاهای دیگر مراجعه خواهند کرد.» مقامات ایران که فکر می کردند فرانسه در دادن هواپیما به عراق مردد شده است از تهدید خود در مورد بستن تنگه دست برداشتند و فرانسه در نهایت بی سروصدا آنها را به عراق تحویل داد.^(۳۳)

حمایت های فرانسه از عراق تنها به فروش تجهیزات نظامی محدود نمی شد بلکه اعتبارات و وام های مالی را نیز در بر می گرفت. فرستادگان رژیم عراق همواره سعی در تلاش بودند نظر موافق و اعتماد سازمان «وفا» را جلب کنند. سازمان مزبور یک شرکت تجاری فرانسه است که قراردادهای

شرکت های فرانسوی را ضمانت می کند. در صورتی که کشور طرف قرارداد قادر به پرداخت بدهی خود نباشد شرکت مزبور مجبور به پرداخت آن می شود. حمایت این سازمان، به قراردادهای منعقد شده میان شرکت های فرانسوی و دیگر کشورها اعتبار زیادی می بخشد.

**حمایت های فرانسه از عراق
تنها به فروش تجهیزات
نظامی محدود نمی شد
بلکه اعتبارات و وام های
مالی را نیز در بر می گرفت**

عراق در سال ۱۹۸۲ برای پرداخت به موقع بدهیهای خود دچار مشکل شد. طارق عزیز در اردیبهشت سال ۱۳۶۲ به فرانسه سفر کرد تا در مورد تعویق پرداخت بدهی ۱۳ میلیارد فرانکی کشورش به فرانسه مذاکره نماید. وی در مصاحبه با لوموند اظهار داشت: «عراق پیشنهاد کرده که ۹۰ درصد بدهی های خود که مربوط به سال ۱۹۸۳ می شود را به صورت نفت خام پرداخت کند زیرا در غیر این صورت قادر به پرداخت ۴۰ درصد از بدهی های خود در سال مزبور نخواهد بود.» در این دوره، عراق به کمک های عربستان و دیگر کشورهای خلیج فارس متکی بود که کماکان به نام عراق نفت را در اختیار

تلاش نمود. روزنامه ساندی تایمز در مورخه ۲۶ دی ۱۳۶۱ نوشت: «میتران طی سه سال گذشته بالغ بر ۱۲ میلیارد لیتر استرلینگ سلاح و اعتبار در اختیار عراق قرار داده است.»^(۳۴)

سیاست فرانسه در قبال مرحله سوم جنگ (۶۵-۱۳۶۲)

با تداوم جنگ تحمیلی همچنان شاهد توسعه مناسبات و فروش تسلیحات نظامی فرانسه به عراق هستیم. به طوری که در اوایل سال ۱۹۸۳ طارق عزیز تقاضای خرید ۵ فروند هواپیمای سوپراستنادار مجهز به موشک های اگزوزه را تسلیم پاریس نمود. هدف عراق حمله به تأسیسات نفتی ایران در حوزه خلیج فارس به ویژه خارک بود. در این رابطه دولت فرانسه اجازه داد تا خلبان های عراقی به طور محرمانه در یک پایگاه هوایی فرانسه در حوالی شهر برنت آموزش ببینند. این اقدام دولت فرانسه باعث واکنش جدی تهران شد. رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: «در صورت به خطر افتادن صادرات ایران، به هیچ وجه نفتی از خلیج فارس صادر نخواهد شد. نیروی دریایی ایران به لحاظ نظامی و فنی قادر است با غرق کردن چند کشتی نفتکش به وسیله صدها مین، تنگه هرمز را ببندد. مسلماً مسئول چنین مشکلات بین المللی (در صورت وقوع) نه تنها عراق بلکه فرانسه نیز خواهد بود.» طبق برداشت ایران و همانطور که نماینده ایران در سازمان ملل تشریح کرد مشارکت هواپیماهای فرانسوی در جنگ این معنی را می دهد که فرانسه در مناقشه به طور مستقیم مشارکت دارد.^(۳۵)

پس از این موضع گیری، فرانسه در تحویل هواپیماها دچار تردید شد. صدام در روز ۱۳ اکتبر ۱۹۸۳ در دیدار با روزنامه نگاران گفت: «اگر فرانسه هواپیماهای مزبور را تحویل ندهد، برای تنبیه فرانسه دست به یک اقدام جدی خواهیم زد، این چه کشوری است که به قول خودش پایبند نیست، فرانسه نباید در برابر فشارها تسلیم شود. اینجا مسئله حاکمیت ملی است، اگر جز این باشد

(۵/۶) میلیارد دلار و ارزش فروش های غیرنظامی و قراردادهای تجاری به (۴/۷) میلیارد دلار بالغ گردیده بود.» به نوشته روزنامه مذکور، «حداقل ۷ میلیارد دلار از کل ارقام به صورت وام و اعتبار در اختیار عراق قرار گرفت.»^(۳۶)

در فوریه ۱۹۸۳ در گزارش های راجع به تحویل ۲۹ فروند دیگر از هواپیماهای میراث F-1 در سال ۱۹۸۳ به عراق، تقاضای این کشور برای خریدن جنگنده مجهز به تجهیزات برای حمل موشک ضد کشتی انتشار یافت. روزنامه لوموند در ۲۴ ژوئن گزارش داد که: «فرانسه موافقت خویش را برای واگذاری موقت جنگنده سوپراتاندارد مجهز به آگزوست به عراق اعلام کرده است.» در همین حین فرانسه با عراق در مورد صدور نفت در ازای قرض ۲/۲۶ میلیارد دلاری آن کشور مذاکره می کرد. کشورهای غربی با ابراز نگرانی از این موضوع به دولت فرانسه اعلام داشتند که تحویل هواپیماهای سوپراتاندارد مجهز به آگزوست تنها خطر حمله به نفتکش ها را افزایش خواهد داد. با این وجود، در ماه سپتامبر فرانسه بر تصمیم خویش برای فروش این گونه تجهیزات تأکید کرد. از نظر دولت فرانسه، این تجهیزات توانایی نظامی عراق را افزایش داده و بنابراین ایران را ترغیب به پایان دادن به جنگ می کرد. در ماه اکتبر، شیعیان لبنانی طرفدار ایران، ستاد چتربازان فرانسوی و مرکز تفنگداران آمریکا در بیروت را منفجر کردند.^(۳۷) به دنبال این واقعه، فرانسه در شورای امنیت در جهت تصویب قطعنامه ۵۴۰ (۱۹۸۳) تلاش نمود. براساس این قطعنامه، از هر دو طرف متخاصم خواسته شد که درگیری در راه های آبی قابل کشتیرانی را متوقف کنند. چنین گفته می شود که دولت فرانسه، بانیان این قطعنامه را تشویق به ارائه آن کرده بود، تا از این طریق واگذاری هواپیما سوپراتاندارد به عراق را توجیه کند. عراق از هواپیماها برای حمله به نفت کش ها استفاده می کرد. علاوه بر تحویل هواپیماهای سوپراتاندارد، دفاع

مشتريان عراق قرار می دادند. سرانجام دولت فرانسه در سال ۱۹۸۳ با خرید ۴ میلیون تن نفت خام از عراق در ازاء مطالبات خود موافقت کرد.^(۳۸)

اقدام سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در ۷ ژوئیه ۱۹۷۳ در ربودن هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ ایران که در فرودگاه پاریس به زمین نشست، با اعتراض شدید ایران به دولت فرانسه مواجه شد. به دنبال این عمل تروریستی، وزارت امور خارجه ایران در روز ۱۹ تیرماه ۱۳۶۲ انستیتیوی فرهنگی فرانسه در تهران و کنسولگری آن کشور در اصفهان را تعطیل نمود و در بیانیه خود از دولت فرانسه با نام دولت

سوسیال صهیونیست نام برد. به دنبال این اقدامات، روابط دو کشور بسیار تیره گردید.^(۳۹) در مقابل، روابط دوستانه عراق و فرانسه، همکاری ها و کمک های مختلف مالی و نظامی به عراق از سیر صعودی برخوردار بود. در زمینه خریدهای

**فرانسه علاوه بر سکوت
در قبال تجاوز عراق به ایران
به حمایت از عراق پرداخت
و این حمایت نه تنها
سیاسی، بلکه نظامی و
اقتصادی هم بود**

نظامی از آغاز این سال و به دنبال تغییر موازنه در جبهه ها به نفع ایران و به ضرر عراق، شاهد افزایش کمک های مالی کشورهای عربی، کویت و عربستان هستیم. این کمک ها منبع مهمی برای حفظ توان نظامی عراق بود به طوری که از جمع کمک های مالی کویت، مبلغ ۵ میلیارد دلار برای خرید تجهیزات نظامی از فرانسه هزینه شد. در واقع فرانسه تحول در جبهه ها را شدیداً به ضرر منافع خود ارزیابی می کرد. به ویژه آنکه این کشور پس از شوری دارای روابط گسترده تجاری و نظامی با عراق بود. بنابر اخبار منتشره در روزنامه لوموند: «حجم جنگ افزارهای ارسالی فرانسه به عراق در سال ۱۹۸۳ به

در تهران توقف کرد، اما این مراوده مخفیانه توسط طرفداران عراق در دولت فرانسه افشا و برملا شد.

«بی یونه اوردران» که به دلیل تلاش زیادی که برای فروش میراژ ۲۰۰۰ به عراق کرده بود به او لقب «آقای عراق» را داده بودند، چند بار برای گفتگو برای فروش میراژ به ایران سفر کرد، اما در نهایت در آذر سال ۱۳۶۳ (دسامبر ۱۹۸۴) دولت سوسیالیست فرانسه تصمیم گرفت دست از ابتکار صلح با ایران بردارد. میتران دستور توقف فروش میراژها را به عراق صادر نمود، اما پس از چندی فروش اسلحه به عراق از سر گرفته شد.^(۳۱) همکاری های نظامی عراق و فرانسه همچنان ادامه داشت و در این سال تولید موشک های AS3 OL در عراق آغاز شد. تکنولوژی ساخت این موشک ها را فرانسه به عراق فروخته بود. عراق ۵۸۶ فروند از این موشک را سفارش داده بود.^(۳۲) همچنین در این سال ۱۰۰۰ نفر تکنسین فرانسوی برای استقرار موشک های اگزوست بر روی کشتی ها، وارد بغداد شدند.^(۳۳) در اوایل سال ۱۹۸۴ تحویل هواپیماهای میراژ F-1 هوا به هوا به نیروی هوایی عراق، تجهیز هواپیماهای «میگ 21» به موشک های مایزیک B فرانسه و دستیابی به توپ های ۱۵۵ میلیمتری خودکشی ساخت فرانسه و اجاره کردن هواپیماهای (سوپراتاندارد) که به موشک های اگزوست هوا به دریا مجهز بودند نقش به سزایی در هدف قرار دادن خطوط حمل و نقل دریایی و به ویژه خطوط نفتی ایران ایفا نمودند.^(۳۴)

از سال ۱۳۶۳ و به دنبال یک سری تغییر در جهت گیری های سیاست خارجی، شاهد بهبود نسبی در روابط خارجی ایران با کشورهای دیگر هستیم. برپایه رویکرد جدید سیاست خارجی که از سال ۱۳۶۳ مورد توجه بود، اولویت صدور انقلاب کم رنگ تر شد و دولت گرایی در روابط خارجی اهمیت بیشتری پیدا کرد. سیاست توسعه و تعمیق روابط با اروپا و ژاپن در جهان صنعتی بیش از دیگر کشورها مورد توجه بود. افزون بر

ضد هوایی عراق با مشارکت مقاطعه کاران فرانسوی کامل تر شد و فرانسه بالغ بر ۴۰۰ تکنسین نظامی و غیرنظامی را به عراق گسیل داشت.^(۳۵) کلود شسون، وزیر خارجه فرانسه، در فوریه ۱۹۸۳ طی اظهاراتی اعلام داشت: «انقلاب خمینی در ایران بسیار خطرناک و نگران کننده است و این انقلاب می تواند تمام منطقه خاورمیانه را در یک جنگ گسترده درگیر کند و بدین خاطر فرانسه از عراق در برابر توسعه طلبی های ایران حمایت می کند.» حمایت های فرانسه از عراق و اظهارات مقامات این کشور علیه ایران روابط ایران و فرانسه را مسموم کرد.^(۳۶)

در سال ۱۹۸۴، تلاش ایران برای متقاعد کردن فرانسه سوسیالیست به امتناع از فروش اسلحه به عراق و توجه دادن آن کشور به مواضع اصولی مشترک، از جانب فرانسه به بن بست کشیده شد. حتی این گفته فرانسوا میتران که در ژوئیه سال ۱۹۸۴ در حضور حسین پادشاه اردن به خبرنگاران گفت: «فرانسه نمی خواهد دشمن ایران یا هر کشور دیگر باشد، بلکه فرانسه می خواهد موازنه قدیمی بین ایران و اعراب به هم نخورد.» نیز چندان مصداق نداشت، زیرا فرانسه عملاً در جهت تضعیف ایران و تقویت عراق گام بر می داشت.^(۳۷)

در آن هنگام که فروشندگان اسلحه، میلیارد ها دلار اسلحه به عراق می فروختند دولت فرانسه درصدد بود تا از طریق کانال های خصوصی باب مراوده با ایران را باز کند. این دیپلماسی فرانسوی وارد شدن از در عقب بود، که به سیاست ریگان «ابتکار صلح با ایران» شباهت زیادی دارد؛ یعنی با رضایت حتمی دولت، اسلحه را به ایران تحویل دهند. عامل این معامله «لوشر» یکی از صاحبان صنایع اسلحه و مهمات سازی فرانسه بود. در مردادماه سال ۱۳۶۳ (ژوئن ۱۹۸۴) رولان دوما، مشاور ویژه میتران، یک فرستاده ویژه و محقق را در کافی انیره دعوت کرد. چند ماه بعد که رولان دوما، به عنوان وزیر خارجه فرانسه تعیین شد در سفر به عربستان سعودی، به طور محرمانه



این گسترش روابط با شوروی نیز در راستای نگرانی غرب پیگیری شد. هدف از رویکرد، بیش از هر چیز تسهیل در امکان صلح و پایان جنگ و نیز رفع نیازهای اقتصادی و نظامی بود. سرانجام، غرب نیز رفتار جدید دیپلماسی ایران را مورد توجه قرار داد و تلاش هایی را در جهت بهبود و توسعه روابط خود با ایران آغاز نمود.^(۴۵) استفاده از ابزارهای دیپلماتیک برای پیشبرد اهداف در جنگ

از پایان جنگ مسئله بازسازی خرابی ها، امکانات گسترده ای برای شرکت ها و صنایع غربی از جمله شرکت های فرانسوی برای سرمایه گذاری مستقیم و غیرمستقیم در ایران ایجاد کند. از بعد سیاسی و استراتژیک نیز بهبود روابط با ایران به نفع فرانسه بود. دستگاه های اطلاعاتی فرانسه نهایتاً متقاعد شدند که ادعاهای گروهک ضد انقلاب متمرکز در فرانسه مبنی بر سقوط رژیم ایران در آینده نزدیک، بی پایه است و جمهوری اسلامی ایران از ثبات بالایی برخوردار است. از سوی دیگر، حوزه فعالیت سیاسی ایران در شرایط جدید به سایر نقاط استراتژیک خاورمیانه مانند لبنان کشیده شده بود و نیروهای طرفدار ایران می توانستند به هر ترتیب برای منافع کشورهای غربی از جمله فرانسه خطرناک یا حسب مورد مفید واقع شوند (نمونه این قضیه را در مورد گروگان ها مورد بحث قرار خواهیم داد). از طرف دیگر فرانسه از اهمیت استراتژیک تنگه هرمز و توانایی ایران برای به خطر انداختن کشتیرانی در خلیج فارس آگاه بود و از همین رو سیاست جدید و زیرکانه ای را در قبال ایران اتخاذ کرد. این سیاست بر دیپلماسی اعطای امتیازات محدود و تدریجی مبتنی بود که در عرف

بر مبنای دیگری نیز استوار بود. برای نمونه در سال ۱۳۶۴، نظریه ای بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم بود که ارکان و پایه های حفظ رژیم عراق بر سه پایه استوار است:

۱. کمک تسلیحاتی فرانسه؛
۲. حمایت های مالی کشورهای منطقه؛ و
۳. کمک های تسلیحاتی شوروی.

بنابراین چنان که ایران می توانست به گونه ای یکی از این ارکان و پایه های حفظ رژیم عراق را بر هم ریزد بی تردید تعادل این کشور از بین می رفت و در کنار ضربه نظامی، پیروزی ایران را تسریع می کرد.^(۴۶) و در راستای این هدف، ایران تلاش های بسیاری برای نزدیکی به کشورهای منطقه از جمله عربستان و بهبود مناسبات با فرانسه، آلمان و انگلستان انجام داد. اما این تلاش ها به خصوص نزدیکی به کشورهای منطقه در نهایت نتیجه ای در بر نداشت.

از سال ۱۹۸۳، فرانسه به تدریج در مورد بهبود روابط خود با ایران احساس نیاز کرد. نخستین عاملی که فرانسه را به ترمیم مناسبات خود با ایران تشویق می کرد استفاده از بازار ایران بود. دولت فرانسه احتمال می داد پس

غرب از حمایت کشورهای اروپایی در شورای امنیت برخوردار شود. ایران قصد داشت با نزدیک شدن به فرانسه در شورای امنیت، به جز چین از حمایت و دست کم بی طرفی فرانسه بهره‌مند گردد. سیاست ایران در کمک کردن به آزادسازی گروگان‌های فرانسوی از جمله عواملی بود که در بهبود مناسبات دو کشور تأثیری جدی داشت. با مذاکراتی که به عمل آمد این از نفوذ خود در بین گروه‌های لبنانی استفاده کرد و دو گروگان فرانسوی آزاد گردیدند و در پی این اقدام، شیراک از ایران تشکر کرد. البته شایان ذکر است که ایران برای بهبود

مناسبات خود با فرانسه

شرایطی قائل شده بود که از جمله آن، تلاش برای حل اختلافات مالی و محدود شدن کمک‌های نظامی فرانسه به عراق بود. اولین اقدام دولت فرانسه، بیرون کردن مسعود رجوی از این کشور بود. بعد از این اقدام، هواداران رجوی اقدام به تظاهرات نمودند

**خطر تهدید انقلاب اسلامی
تمام ابر قدرت‌ها را به موضع
واحدی سوق داد و آن
حمایت از عراق و تلاش
برای پایان دادن به جنگ بود**

که وزارت کشور فرانسه دستور دستگیری ۷۰ تن از اعضای این سازمان را صادر کرد که پس از دستگیری به گابن فرستاده شدند.

مذاکرات در خصوص بازپرداخت وام یک میلیارد دلاری میان دو کشور دوباره از سر گرفته شد و گفته می‌شد فرانسه حاضر است مبلغ مذکور را به ایران بازگرداند. پس از مذاکرات زیاد در تهران و پاریس، در نهایت قراردادی به مبلغ ۳۳۰ میلیون دلار امضا شد که اولین مرحله از حل جدی اختلافات مالی دو کشور بود. در عین حال، فرانسه با تأکید بر اجرای سیاست‌های گذشته خود مبنی بر همکاری با عراق و فروش تجهیزات

و زبان دیپلماتیک به «دیپلماسی مماشات» معروف است. سیاست جدید فرانسه بسیار زیرکانه تنظیم شده بود. بدین ترتیب که فرانسه سعی می‌نمود ضمن حفظ روابط عالی‌اش با عراق و اسرائیل، همزمان با ایران نیز رابطه برقرار کند و از مزایای رابطه با تمام جناح‌ها برخوردار گردد.^(۲۷)

در تیرماه ۱۳۶۴ وزیر امور خارجه ایران درباره رابطه با فرانسه اظهار داشت: «مسائلی که هم اکنون در زمینه حسن روابط ما با فرانسه مطرح است عبارتند از: پرداخت وام توقیف شده ما، عدم کمک به ضدانقلاب و قطع کمک به رژیم عراق». وی در ادامه اظهار داشت: «دولت فرانسه در عمل گام‌های چندان موثری برای حسن روابط بر نداشته است.»^(۲۸) موضوع دیگری که باعث شد فرانسه به بهبود روابط با ایران بیندیشد مسئله گروگان‌های فرانسوی در لبنان بود. این قضیه باعث شد افکار عمومی فرانسه نسبت به این مسئله حساس شده و به دولت فشار بیاورد که به هر ترتیب قضیه را حل کند. البته باید متذکر شد نزدیکی فرانسه به ایران و به خصوص قضیه گروگان‌ها همواره موضوع اختلاف جناحی در فرانسه بوده است.

پس از روی کار آمدن ژاک شیراک به عنوان نخست وزیر، وی در اولین سخنرانی خود در مجمع ملی فرانسه خواستار مذاکره با ایران شد. به دنبال این اظهارات، دیپلمات‌های فرانسوی مأموریت یافتند تا اختلاف مربوط به بازپرداخت وام یک میلیارد دلاری که ایران به (اورودیف) داده بود را مورد بررسی قرار دهند. ظاهراً آنها همچنین موظف بودند پیام‌های دولتمردان فرانسوی، همچون میتران و شیراک را به مقامات ایران تسلیم نمایند. از سوی دیگر، دولت ایران شیوه‌های جدیدی را در سیاست خارجی مورد آزمایش قرار داد. تغییر عمده در سیاست خارجی ایران، جدا کردن حساب آمریکا از کشورهای اروپای غربی بود و ایران سعی داشت از این طریق به جز استفاده از امکانات و تکنولوژی

حزب ا... می نامیدند کشف نمود و به دنبال آن ۵۷ عرب بازداشت و ۲۷ تن از آنان از فرانسه اخراج شدند. در این رابطه هشت دانشجوی ایرانی نیز از فرانسه اخراج گردیدند. در عین حال پلیس فرانسه قصد داشت از وحید گرجی، دیپلمات ایرانی که کارمند سفارت ایران در پاریس بود، در رابطه با مسائل فوق بازجویی به عمل آورد. با وجود آنکه وی عدم دخالت خود را در مسئله بمب گذاری سپتامبر ۱۹۸۶ در فرانسه اعلام نمود، پلیس فرانسه گرجی را متهم کرد که وی یکی از اعضای موسس حزب ا... است. در این زمان، وزارت خارجه ایران دستور داد فرانسویان مقیم ایران، کشور را ترک کنند. از سوی دیگر پلیس فرانسه از ۲۹ ژوئن ۱۹۸۷ سفارتخانه ایران در پاریس را محاصره کرد.^(۵۰)

پرواین اقدام، وزارت خارجه ایران با احضار کاردار فرانسه در تهران به وی خاطرنشان کرد که اگر موانع موجود در برابر سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران در پاریس طی ۲ ساعت آینده برطرف نشود و عاملین ضرب و شتم و سرقت اسناد دیپلماتیک ایران تنبیه نشوند، ایران روابط خود را با فرانسه قطع خواهد کرد و در اعتراض به این رفتار غیرقانونی دولت فرانسه، تعداد اعضاء سفارت خود را در پاریس در این فاصله به حداقل می رساند.^(۵۱) به دنبال محاصره سفارت ایران و ضرب و شتم یکی از دیپلمات های ایرانی در یک اقدام مقابله به مثل ایران اطراف سفارت فرانسه در تهران را به محاصره درآورد. در نتیجه این اقدام و همچنین هدف قرار گرفتن چند کشتی فرانسوی در خلیج فارس در تیرماه آن سال، روابط دو کشور به طور کامل قطع شد.^(۵۲)

پس از جنگ سفارتخانه ها، هر دو کشور به ویژه فرانسه احساس می کرد که ناخواسته وارد جنگ شده و امکان حل آن از طریق مذاکرات وجود دارد. طرح فرانسه در تماس با ایران برای آزادی گروگان ها ناتمام مانده بود. تحلیل گران بین المللی نیز اظهار داشتند که ایران برای حل قضیه جنگ با عراق، به دنبال راه های جدید

نظامی به این کشور و عدم فروش چنین تجهیزاتی به ایران، نشان داد که در سیاست خارجی این کشور نسبت به ایران و عراق تغییر مهمی رخ نداده است. دولت فرانسه هم زمان با عادی سازی روابط با ایران در تلاش بود از رنجش حامیان صدام جلوگیری کند. وزیر دفاع فرانسه نیز ضمن تأکید بر این که فرانسه به ایران تسلیحات نمی دهد و در آینده نیز قصد این کار را ندارد، اظهار داشت: «برعکس، به توافقنامه همکاری با عراق متعهدیم.» همچنین فیگارو به نقل از شیراک نوشت: «عادی سازی روابط با ایران نمی تواند در جهت سلب حمایت فرانسه از رژیم صدام حسین باشد.»^(۴۹)

مواضع فرانسه در مرحله پایانی جنگ (۱۳۶۷-۱۳۶۵)

تا پایان جنگ چند حادثه مهم رخ داد که در ادامه به توضیح این رخدادها و موضع فرانسه در قبال آنها خواهیم پرداخت. این حوادث عبارتند از: ۱.

جنگ سفارتخانه ها ۲. جنگ نفتکش ها ۳. استفاده عراق از سلاح های شیمیایی ۴. قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ۵. موضع فرانسه در قبال حادثه سقوط هواپیمای ایرباس جمهوری اسلامی ایران توسط ناو امریکایی.

جنگ سفارتخانه ها

از قطع کامل روابط تا بهبود مجدد روابط ایران و فرانسه

در سپتامبر سال ۱۹۸۶ در جریان یک بمبگذاری در پاریس ۹ نفر کشته و ۱۵۰ نفر مجروح شدند. پلیس در رابطه با این جریان، مقرر گروهی از مسلمانان شیعه را که خود را

کلود شسون، وزیر امور خارجه فرانسه: عراق در خط مقدم رویارویی با خطری قرار دارد که ثبات و امنیت منطقه، بلکه جهان را تهدید می کند

و فرانسه را مورد مطالعه قرار داده و یک جدول زمانی برای این امر تعیین کنند. تجدید روابط می‌بایست از طریق انتشار بیانیه‌ای رسمی از سوی دولت فرانسه که در آن از سرگیری مناسبات میان دو کشور ذکر شده بود صورت می‌گرفت و این کار در ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ انجام شد. روز ۲۰ مه سال ۱۹۸۸ برابر با ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۷ رولان دوم، وزیر امور خارجه فرانسه، از طریق سفارتخانه پاکستان به مقامات ایرانی پیشنهاد کرد که ملاقاتی بین نمایندگان دو کشور صورت گیرد. پس از انجام ملاقات، نمایندگان ایران و فرانسه در ژنوی بیانیه مشترکی اعلام کردند:

**فرانسه به عنوان یکی از
اعضای اتحادیه‌های اروپا،
دومین کشور صادرکننده
سلاح به عراق بود**

«دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فرانسه توافق کردند که از تاریخ ۲۶ خرداد ماه ۱۳۶۷ روابط سیاسی میان دو کشور را تجدید کنند و سفرای خود را به زودی مبادله نمایند.» سرانجام در ۱۵ تیر سال ۱۳۶۷ کریستین گراف، سفیر جدید فرانسه در تهران، و

همچنین در ۲۳ تیر ۱۳۶۷ آقای علی آهنی، سفیر جدید ایران در پاریس، استوارنامه‌های خود را به روسای جمهوری دو کشور تقدیم کردند.^(۵۳)

فرانسه و جنگ نفتکش‌ها

به دنبال ادامه حملات هوایی و دریایی عراق به شهرها و مناطق مسکونی، ایران مصمم شد برای محدود کردن تجهیزات نظامی عراق و جلوگیری از ورود تسلیحات و تجهیزات بیشتر که توان رزمی عراق را افزایش می‌دهد، به تردد کشتی‌های بی طرف در خلیج فارس و دریای عمان نظارت موثری را معمول دارد و در اجرای این

دیپلماتیک است. چون فرانسه احتمال می‌داد جنگ به زودی پایان یابد و امکان زیادی برای سرمایه‌گذاری در بازسازی دو کشور ایجاد می‌شود، از این رو نمی‌خواست پس از پایان جنگ بازار بزرگ ایران را از دست بدهد؛ بنابراین، سیاست نزدیکی با ایران را در پیش گرفت. شارل پاسکو، وزیر کشور وقت فرانسه، مأموریت یافت راه حلی را برای از سرگیری مذاکرات با ایران ارائه کند. وی شیوه مذاکرات مخفی را مناسب دانست و بدین ترتیب ۵ مأمور ویژه را انتخاب کرد تا با مأموران ایران در فرانکفورت، وین، مالت و کراچی تماس برقرار نمایند و به ایران پیغام دهند که فرانسه دشمن ایران نیست و باید جنگ بی حاصل سفارتخانه‌ها متوقف شود.

بعد از چند روز مذاکره، سرانجام طرفین توافق نمودند که روند بهبود مناسبات با همان شیوه قبلی از سر گرفته شود. در نوامبر سال ۱۹۸۷ دو نفر دیگر از گروگان‌های فرانسوی آزاد شدند. آقای گرجی نیز در ۲۹ نوامبر همان سال نزد قاضی ژیل بولوک حاضر شد و بعد از ۲ ساعت بازجویی به وی اعلام شد که مدرکی بر ضد او نیست و آزاد است. فرانسه در دسامبر همان سال نیز مبلغ ۳۳۰ میلیون دلار از بدهی خود به ایران را پرداخت کرد. علت مهم دیگری که ایران را به بهبود رابطه با فرانسه تشویق می‌کرد اهمیت موضع اعضای دائم شورای امنیت در قبال جنگ ایران و عراق بود. ایران به دلیل مخالفت هایش با قطعنامه ۵۹۸ در انزو قرار گرفته بود. از سوی دیگر، کشورهای عربی در نشست‌های خود ایران را به دلیل ادامه جنگ محکوم می‌کردند؛ لذا ایران در صدد بود از حمایت کشورهایی چون فرانسه در شورای امنیت سازمان ملل متحد برخوردار شود تا پس از پذیرش قطعنامه، ضامن اجرای مفاد آن باشند.

در همان ایام، سخنگوی وزارت خارجه فرانسه اعلام نمود که فرانسوا میتران از هیات وزیران خواسته است موضوع از سرگیری مناسبات دیپلماتیک بین ایران

ناوچه در اقیانوس هند داشت، اما درخواست کویت را برای پیوستن به عملیات اسکورت و تقاضای امریکا برای شرکت در یک عملیات مشترک و ارائه خدمات مین رویی را رد کرد.^(۵۵) اصابت مین به کشتی امریکایی بریجتون در سال ۱۹۸۷ و تلاش امریکا برای جلب حمایت اروپا، در آغاز نتایج گوناگونی به همراه داشت. به رغم آنکه سیاست دیرینه فرانسه این بود که از پذیرش هرگونه نقش نظامی که این کشور را زیر فرمان مستقیم امریکا قرار دهد خودداری کند، اما کشور مزبور سه هزار نیروی ویژه به همراه ناو هواپیمابر کلمانسو و دوناوشکن و یک کشتی تدارکاتی را برای تقویت واحدهای خود در اقیانوس هند به منطقه فرستاد. اقداماتی که در واکنش به رویارویی روزافزون این کشور با ایران انجام شد. شرایط حاکم بر تصمیم مقامات فرانسوی به اعزام ناوهای جنگی به خلیج فارس و مأموریت های واگذار شده به آنها، نکات بسیاری را در مورد تیره تر شدن روابط ایران و فرانسه و نیز شیوه ها و ابزار مناسب برای راه حل بحران های بین المللی آشکار می سازد و نشان می دهد که آنها چگونه مایل به داشتن یک سیاست خارجی مستقل در عین احترام به همبستگی با متحدان غربی خود بود.

اعزام بخش اول نیرو به خلیج فارس به دلیل حملاتی بود که هدف آن کشتی های تجاری فرانسوی بود. اعزام بخش دوم که قوی ترین بخش نیز بود آشکارا به تیرگی شدید روابط ایران و فرانسه باز می گشت. البته ژاک شیراک، نخست وزیر فرانسه، به دشواری سعی نمود تأکید نماید که تقویت نیروی دریایی آن چنان زیاد نبوده و در حقیقت نمایشی از اراده و استعداد بوده است. مقامات فرانسوی در چندین مناسبت به روشن ساختن دلایل موضع اتخاذ شده پرداختند. به گفته وزیر امور خارجه فرانسه، موضع یاد شده بر اصل آزادی دریانوردی و توجه به نگرانی های دولت های ساحلی خلیج فارس مبتنی بود. علاوه بر این، حضور فرانسه نشانگر عزم استوار این

سیاست در اواسط سال ۱۳۶۴ نیروی دریایی ایران به صراحت اعلام نمود که: «از این به بعد کشتی های مظنون به حمل سلاح برای عراق را مورد بازبینی قرار می دهد.» این تصمیم ایران با واکنش شدید فرانسه روبرو شد. در واقع دولت فرانسه از آنجایی که مقادیر متنابهی از تسلیحات عراق را تأمین می کرد در اوج این بحران اعلام داشت که برای مقابله با تفتیش کشتی های تجاری خود در منطقه از نیروی دریایی اش استفاده خواهد کرد. اما در عمل، چون همراهی هر کشتی بازرگانی متضمن اشکالات عملیاتی و نقض آشکار بی طرفی محسوب می شد، از اجرای کامل آن خودداری کرد.^(۵۶)

آیت... خامنه ای، رئیس جمهور وقت ایران، در ۲۲ خردادماه سال ۱۳۶۵، تهدید کرد کشتی های امریکایی در خلیج فارس مورد حمله قرار خواهد گرفت. موضعی که نشان می داد کشتی های حامل پرچم امریکا در معرض خطر

**فرانسوی ها در ساخت
راکتور اتمی و فراهم کردن
زمینه دستیابی عراق به
سلاح اتمی نقش برجسته ای
ایفا کردند**

هستند. به دنبال این فشارها امریکا در صدد جلب حمایت متحدان اروپایی خود برای انجام عملیات نظامی در خلیج فارس برآمد. هرچند در آغاز، این کشور تمایل چندانی برای جلب حمایت متحدان اروپایی اش نداشت و سعی داشت به طور یک جانبه قدرت امریکا را در خلیج فارس به نمایش بگذارد. در ۱ ژوئن، ۱۱ خرداد، ریگان پیش از عزیمت به ونیز و شرکت در کنفرانس سران غرب اعلام نمود در صدد جلب حمایت کشورهای اصلی اروپایی و ژاپن برای حمایت از سیاست پرچم گذاری کشتی هاست. به دنبال این درخواست امریکا، فرانسه با احتیاطی خاص عمل می کرد. هرچند این کشور ۶ فروند

به اتحادی عمیق با عراق کشانده شده است؛ زیرا در صورتی که صدام حسین سقوط کند طلب های فرانسه از عراق هرگز وصول نخواهد شد. «همچنین روزه گارسون از انستیتوی روابط بین الملل فرانسه در قالب تحقیقی توضیح داده بود که: «در شرایطی که طلب های مالی فرانسه از عراق از همیشه سنگین تر شده، این کشور چاره ای جز حمایت از عراق ندارد.»^(۵۹) به دنبال درخواست کویت برای پرچم گذاری کشتی هایش، فرانسه مانند بریتانیا و جمهوری خلق چین تقاضای این کشور از اعضاء دائم شورای امنیت در ۱۴ می ۱۹۸۷ را مبنی بر اینکه کشتی های کویتی پرچم آنها را نصب کنند نپذیرفت، در حالیکه امریکا و شوروی با این تقاضا موافقت کردند.^(۶۰)

در اوت ۱۹۸۷ فرانسه برای حمایت از منافع خود در خلیج فارس وارد عمل شد و بلافاصله کشتی های مین روبش را به کار گرفت. اقدامی که نه به دلیل تبعیت از خواسته های امریکا، بلکه در راستای منافع ملی دو کشور انجام شد. در ابتدا فرانسه به این دلیل تقاضای امریکا برای اعزام نیرو به خلیج فارس را رد کرده بود که نگران بود امریکا این کشور را در یک جنگ بزرگ درگیر نماید، به همین خاطر بیشتر کشتی های خود را در خارج از خلیج فارس مستقر کرده بود. پس از آن، دولت فرانسه اعلام نمود سه فروند کشتی مین روب و یک فروند کشتی پشتیبانی را برای تأمین امنیت معابر خلیج فارس به این منطقه خواهد فرستاد تا به ناو هواپیمابر کلمانسو و دو فروند ناوشکن و یک کشتی پشتیبانی این کشور که در خارج از خلیج فارس بودند بپیوندند.

طی تابستان سال ۱۹۸۷ نقش اروپا در خلیج فارس در حال گسترش بود. در این برهه، نیروهای فرانسوی مستقر در خلیج فارس عبارت بودند از: ناو هواپیمابر کلمانسو حامل ۳۸ فروند هواپیما، دو فروند ناوشکن مجهز به موشک های هدایت شونده، یک فروند ناوچه و ۳ فروند ناوچه چند منظوره، ۲ فروند کشتی حامل آذوقه

کشور برای حفاظت از کشتی های تجاری تحت پرچم فرانسه و به طور کلی منافع غرب و تضمین ایمنی و تداوم جریان نفت منطقه قرار داشت.^(۵۶)

در ۱۳ ماه جولای، ایران به یک کشتی باری فرانسه حمله کرد و به فرانسه در مورد رفتارش با دیپلمات های ایران هشدار داد. در پی حمله ایران به کشتی فرانسوی در خلیج فارس، وزیر خارجه فرانسه در مصاحبه با فیگارو اعلام داشت: «در صورت ادامه حملات ایران به کشتی های فرانسوی در خلیج فارس، پاریس اقدام قاطعی در رابطه با آن اتخاذ خواهد کرد. اگر ایران حملات خود را تکرار کند ما اقدامات مقتضی را به عمل خواهیم آورد و این اقدامات، اقدامات کوچکی نخواهد بود.» وی با تأکید بر اینکه فرانسه خواهان حفظ آزادی کشتیرانی در منطقه است، افزود: «سیاست ما در قبال خلیج فارس تغییر نکرده است. ما دارای رزم ناوهای در اقیانوس هند هستیم که به طور مرتب به خلیج فارس تردد می کنند و یکی از وظایف آنها کمک به کشتی های است که مورد حمله قرار گرفته اند.»^(۵۷) وزیر خارجه فرانسه در ۱۷ می ۱۹۸۷ در مصاحبه با رادیو بین الملل فرانسه، یک بار دیگر این موضع حکومت را مورد تأکید قرار داد. وی همچنین در ۱۶ ژوئن ۱۹۸۷ این موضع را تصریح کرد که: «ما کشتی هایی در خلیج فارس داریم. آنها کشتی های تجاری را اسکورت نمی کنند، اما برحسب شرایط، آمادگی ارائه کمک به آنها را دارند.» در پی افزایش حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس، وزیر دفاع فرانسه اعلام کرد کشورش قصد دارد دو کشتی جنگی مجهز به موشک های اگزوسه را برای حفاظت از کشتی های فرانسوی در خلیج فارس مستقر کند.^(۵۸)

روزنامه نیویورک تایمز در توجیه مواضع فرانسه نوشت: «فرانسه تنها کشوری نیست که نگران پیروزی ایران بر عراق و ایجاد بحران در منطقه خلیج فارس است. این کشور با وام های زیادی که به عراق داده، بیش از پیش

فرانسه، انگلستان و شوروی را به تأمین و ارتقای برنامه سلاح های شیمیایی عراق متهم کرد. تا بهار ۱۹۸۴ به نظر می رسید قدرت های عمده اروپای غربی به تنبیه یا حتی انتقاد آشکار از عراق به دلیل استفاده از سلاح های شیمیایی علیه ایران هیچ تمایلی نداشتند. در اوایل ماه مارس ۱۹۸۴، سازمان ملل به اعزام گروهی برای تحقیق در مورد کاربرد سلاح های شیمیایی اقدام کرد. به دنبال انتشار گزارش این گروه، انگلستان، آمریکا، فرانسه و ژاپن صادرات هرگونه مواد اولیه را به عراق که در تولید گازهای خردل و اعصاب کاربرد داشت ممنوع کردند.^(۶۱)

موضع گیری این کشورها را در قبال قطعنامه های شورای امنیت در خصوص استفاده عراق از سلاح های شیمیایی را می توان به عنوان مواضع این کشورها ارزیابی نمود. تا قبل از صدور قطعنامه ۸۵۲ شورای امنیت، هیچ اشاره ای به کاربرد سلاح های شیمیایی نشده بود. در ۲۴ فوریه ۱۹۶۸، این شورا رویکرد دیگری را اتخاذ کرد و در این سند یادآور شد: «هر دو کشور ایران و عراق عضو پروتکل ژنو هستند و هر چند به استفاده از سلاح های شیمیایی اشاره ای نکرد اما از هر دو طرف می خواست به توصیه نامه های قطعنامه ۸۵۲ عمل کنند.» عراق طی دو سال پایانی جنگ نیز به صورت گسترده از سلاح های شیمیایی استفاده کرد و با وجود آگاهی بسیاری از کشورها از این اقدامات و اظهار نگرانی از آن، عراق همچنان به استفاده از سلاح های شیمیایی ادامه داد. تنها پس از حمله شیمیایی به حلبچه بود که واکنش به این اقدامات رژیم بعث شدت گرفت.

فرانسه به همراه اعضای دیگر شورای امنیت در ۲۰ ماه جولای سال ۱۹۸۷ قطعنامه ۷۵۹۸ تصویب کردند در این قطعنامه، شورا لحن تندی را در مورد کاربرد سلاح های شیمیایی اتخاذ کرد. به دنبال حمله به حلبچه، شورای امنیت در ۹ می ۱۹۸۸ قطعنامه ۶۱۲ را به تصویب رساند. فرانسه نیز مانند سایر اعضا به این قطعنامه رأی مثبت داد. قطعنامه به طور غیرمنتظره ای تند بود و این

و ۱ کشتی تعمیراتی. این نیروها با پیوستن سه فروند کشتی مین روب (۲ فروند مین روب کلاس دومباری و یک فروند کلاس تربیارینت) تقویت شدند. این مین روب ها در ۱۱ سپتامبر در دریای عمان کار خود را آغاز کردند. تا اواخر ماه اکتبر، کشتی های فرانسوی ۹ مین ام - ۸۰ را در آب های ساحلی بنادر فجیره و خورفکان کشف کرده بود. همچنین ناو فرانسوی دوپلمکس، دو مین دیگر را نیز در آب های قطر کشف کرد.^(۶۱)

مواضع فرانسه در

قبال استفاده عراق از

سلاح های شیمیایی

از آغاز جنگ تا سال ۱۹۸۳ عراق به طور عمده از سلاح های شیمیایی استفاده می کرد. از سال ۱۹۸۴ عراقی ها از سلاح های شیمیایی بیشتری برخوردار شدند. ایران تلاش های بسیاری را برای نشان

دادن نقض پروتکل ژنو از سوی عراق انجام داد. به عنوان مثال، جزوات و عکس هایی از مصدومات سلاح های شیمیایی تهیه و در اروپای غربی پخش شد، همچنین ۵۰ نفر از مصدومان شیمیایی به این کشورها اعزام شدند. با وجود این، این تلاش ها بازتاب چندانی نداشت و این امر باعث می شد عراق در استفاده از این سلاح ها جری تر شود. فرانسه، نزدیک ترین حامی عراق در دوران جنگ این کشور با ایران، در مورد حملات شیمیایی عراق سکوت اختیار کرده بود. روزنامه لوموند، قربانیان سلاح های شیمیایی را در ایران به یک حادثه کارخانه صنعتی نسبت داد. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران نیز

ارزش سلاح های دریافتی
رژیم بعث عراق از فرانسه در
سال های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ بالغ بر
۴۱ میلیارد فرانک بوده است

اصلی نفت ایران بودند به صراحت اعلام کردند تا زمانی که مسائل ایران و آمریکا حل نشود حاضر به خرید نفت ایران نیستند. آمریکا و شوروی در قالب اجلاس دو جانبه و چند جانبه، از یک سو فشارهای خود را بر ایران افزایش دادند و از سوی دیگر تلاش های هماهنگی را در سازمان ملل آغاز کردند.^(۶۴) در این راستا، رایزنی های زیادی در سازمان ملل انجام شد و به درخواست



دبیرکل، جلسه شورای امنیت در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ (۲۹ تیر ۱۳۶۶) تشکیل گردید. این جلسه از آن جهت استثنایی بود که برای اولین بار در طول جنگ، وزرای خارجه کشورهای آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، آرژانتین، امارات متحده عربی و فرانسه حضور داشتند. این جلسه نیز همچون گذشته، تحت عنوان وضعیت بین ایران و عراق تشکیل شد و قبل از اخذ رأی، نمایندگان هر کشور سخنرانی کردند. در این جلسه ژان برنارد ریمون، وزیر خارجه فرانسه، به عنوان رئیس جلسه طی سخنانی اظهار داشت: «اکنون زمان آن فرا رسیده که به صورت آمرانه خواسته شود مخاصمه پایان گیرد و این قطعنامه ای واقع بینانه و متوازن است که زمینه را برای ارائه یک راه حل سیاسی که در آن پیروز و یا شکست خورده وجود ندارد، هموار می کند.» وی سپس، پیش نویس قطعنامه را به رأی گذاشت که به اتفاق آرا با ۱۵ رأی موافق و بدون مخالف و بدون ممتنع به تصویب رسید و به شماره ۵۹۸ (۱۹۸۷) ثبت گردید.^(۶۵)

تفاوت اساسی این قطعنامه با قطعنامه های قبلی شورای امنیت به جز الزام آور بودنش، به مفاد آن نیز برمی گردد. در این قطعنامه سعی شد تا دیدگاه های ایران

شورا بارها استفاده از سلاح های شیمیایی علیه غیرنظامیان را رد کرد. قطعنامه مزبور قاطعانه از هر دو کشور میخواست که به پروتکل ژنو پایبند باشند. این قطعنامه همچنین خواستار اعمال کنترل و محدودیت های شدید در زمینه صادرات اولیه سلاح های شیمیایی شد.^(۶۴)

فرانسه و قطعنامه ۵۹۸

اجرای عملیات های موفقیت آمیز والفجر ۸ و کربلای ۵، آمریکا، شوروی و سایر حامیان عراق را به این جمع بندی رساند که در صورت تداوم پیروزی های ایران، شکست عراق قطعی است، لذا باید به جنگ پایان داد. در این دوره حامیان عراق برای جلوگیری از پایان جنگ به نفع ایران کوشیدند به هر نحو ممکن این جنگ را بی آنکه برنده یا بازنده ای داشته باشد به پایان برسانند. بنابراین دور جدیدی از فشارها و تهاجم کشورهای منطقه و فرامنطقه علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. در این مرحله، فشارهای اقتصادی به اوج خود رسید، کاهش قیمت نفت و عدم خرید آن از ایران مهم ترین اقدام در این چارچوب بود. کشورهای اروپایی و ژاپن که خریداران

تسلیماتی سی تا شصت روزه ای را علیه ایران اعمال کنند اما این اقدام با مخالفت شوروی و چین روبه رو شد.^(۶۹) همچنین فرانسه در راستای افزایش فشار بر ایران در ۶ ماه اوت ۱۹۸۷ واردات نفت خود را از ایران تحریم کرد و کمک های نظامی و اقتصادی خود را به عراق افزایش داد.^(۷۰) در این مقطع نیز شوروی و فرانسه همچنان در صدر تأمین کنندگان تسلیحاتی عراق قرار داشتند. شوروی از اول سال ۱۹۸۶ تا اوایل سال ۱۹۸۸، در حدود ۹۳ میلیارد دلار موشک های هوا به زمین و تجهیزات الکترونیکی به عراق فروخت.^(۷۱)

موضع فرانسه در قبال سقوط هواپیمای مسافری ایران توسط ناو آمریکایی

سقوط هواپیمای ایرباس مسافری ایران در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۶۷ توسط ناو آمریکایی، در ادامه همان استراتژی و سیاستی بود که در سال های پایانی جنگ، آمریکا و متحدانش اتخاذ کرده بودند. از اوایل سال ۱۳۶۶ و به دنبال پیروزی های ایران و ناکامی های عراق، آمریکا و متحدانش تصمیم گرفتند از شکست عراق و برهم خوردن معادلات قدرت در منطقه به نفع ایران جلوگیری کنند. با طرح شروطی از سوی جمهوری اسلامی ایران برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸، از یک سو فشارهای سیاسی بر ایران افزایش یافت و از سوی دیگر به طور هم زمان عراق استفاده از سلاح های شیمیایی و حمله به شهرها و پایانه های نفتی ایران را تشدید کرد. در همین راستا، ناو وینسنس آمریکا، هواپیمای مسافری ایران را هدف حمله قرار داد. بدنبال شکایت ایران به سازمان ملل، فرانسه به اتفاق سایر اعضای شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ای را در ۲۰ جولای ۱۹۸۸ صادر نمودند که در آن ضمن ابراز تأسف عمیق از کشتار انسان های بی گناه، همدردی خود را با خانواده های قربانیان اعلام و با درخواست ایران برای تشکیل یک گروه حقیقت یاب حادثه موافقت نمود.^(۷۲)

نیز مد نظر قرار گیرد. به عبارت دیگر، قطعنامه ۵۹۸ ضمن رعایت حداقل خواسته های طرف ایرانی، به روشنی هزینه سنگین مخالفت با آن را هم در مفاد و هم در مراحل تصویب و اعلان نشان داد. با تصویب این قطعنامه و موضع نه رد و نه قبول آن از سوی ایران، شاهد افزایش فشارهای بین المللی برای قبول قطعنامه از سوی ایران هستیم. در این راستا، کلود شسون، وزیر خارجه سابق فرانسه، طی مصاحبه ای اعلام کرد: «اعضای دائمی شورای امنیت در تصمیم اعلام نشده ای در زمینه حمایت از عراق در برابر جمهوری اسلامی ایران به توافق رسیده بودند»^(۶۶) همچنین ماکمیلی کابانا، وزیر اطلاعات فرانسه، ضمن دیدار با صدام حسین و اعلام پیام شفاهی ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه اعلام نمود: «فرانسه کوشش های خود را برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت جهت پایان دادن به جنگ و برقراری صلح، دو چندان خواهد کرد»^(۶۷)

از آن پس شاهد افزایش همکاری فرانسه با سایر کشورها به منظور تشدید فشار بر ایران برای قبول قطعنامه هستیم. در واقع قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، بارزترین نوع همکاری میان سیاست فرانسه و دو ابرقدرت شوروی و آمریکا برای کنترل جنگ و ایفای نقش موازنه گر از جانب آن به شمار می رفت.

در این مقطع، دو موضوع مورد توجه فرانسه بود که شاید به هم مرتبط بودند، یکی تحولات قیمت نفت به دلیل جنگ ایران و عراق و دیگری رشد بنیادگرایی که ثبات منطقه را به هم می زد. مسئله دیگری که در موضع گیری فرانسه در جنگ ایران و عراق بی تأثیر نبود خنثی ساختن آثار نزدیکی به اسرائیل در نزد اعراب بود که با حمایت از عراق در جنگ به این هدف دست یافت.^(۶۸)

در ۵ ماه مارس، فرانسه همراه با آمریکا و دیگر کشورهای غربی با هدف تحت فشار قرار دادن ایران برای قبول قطعنامه، کوشیدند با حمایت شورای امنیت، تحریم



خود را براساس تعصب های دینی و سیاسی پی ریزی کرده بود قدرت یابد و چون گرایش های سلطه طلبانه دارد با اولین مانع یعنی عراق برخورد نموده است.^(۷۳) نشریه آمریکایی نیویورک تایمز چند روز پس از آغاز جنگ تحمیلی در مورد سکوت اروپا در قبال تهاجم عراق به ایران می نویسد: «این مسئله عجیب است که چگونه اروپاییان در برابر تهاجم عراق به ایران ساکت نشسته اند، حال آن که واردات نفت آنان که در امنیت شان بسیار حائز اهمیت می باشد، متکی به منطقه است. این نظریه، واردات نفت فرانسه را از عراق، روزانه ۶۰۰ هزار بشکه ذکر می کند که اولین مشتری نفت عراق است. نیویورک تایمز در ادامه می نویسد: «اگر کشورهای اروپایی که تا این حد به نفت عراق متکی اند با قطع نفت این کشور مواجه شوند، یا باید خسارت ناشی از آن را تحمل کنند و یا به صدام برای خاتمه جنگ فشار خواهند آورد.»

بنابراین تأمین انرژی و امنیت، یکی از اساسی ترین محورهای جهت گیری دیپلماسی غرب و به ویژه فرانسه در دوره جنگ بود. از این رو عربستان سعودی با افزایش تولید خود و تأمین نیازهای نفتی کشورهای اروپایی، آنها را به حمایت از عراق تشویق کرد. واشنگتن پست در نوامبر ۱۹۸۰ به نقل از رونالد کوون می نویسد: «شکست عراق بزرگ ترین خطر برای بی ثباتی خلیج فارس است. وی می افزاید به رغم مطالب رسمی غیرانتقادی، مطبوعات فرانسه نشانه هایی ارائه می دهند که حکایت از تحویل گسترده مواد اولیه به عراق دارد. فرانسه آشکارا همه توانش را به کار گرفته تا از سقوط صدام جلوگیری نماید و به نظر می رسد در جستجوی راهی است تا جنگ را به نحوی پایان دهد». از جمله اقدامات دیپلماتیک فرانسه، استفاده از موقعیتش در شورای امنیت برای صدور قطعنامه های متعدد با هدف فشار مضاعف بر ایران بود. پناه دادن به منافقین و تروریست های همدست صدام و حمایت از ضدانقلاب و سلطنت طلب ها که

به طور اجمال می توان گفت قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بارزترین نوع همکاری میان سیاست فرانسه و دو ابرقدرت برای کنترل جنگ و ایفای نقش موازنه دهنده گی از جانب آنان بود. در تمام وقایع مهم ذکر شده در این دوره، شاهد حمایت فرانسه از عراق و یا سکوت این کشور به نفع عراق هستیم که مانع از ایجاد یک رابطه مثبت میان ایران و فرانسه می شد.

نتیجه گیری

جنگ ایران و عراق، حادثه تاریخی و سرنوشت سازی بود که در بستر مجموعه ای از عوامل و زمینه های مختلف شکل گرفت و از ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ با تجاوز عراق آغاز و در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ پس از پذیرش قطعنامه از سوی ایران به پایان رسید. با یک نگرش کلی، علل و ریشه های تیرگی روابط دو کشور ایران و فرانسه را در دوره سوسیالیست ها را در سه عامل زیر می توان جستجو کرد:

الف: تجمع نیروهای ضدانقلاب در فرانسه؛ ب: کمک های نظامی فرانسه به عراق؛ ج: قضیه وام یک میلیارد دلاری ایران به فرانسه.

با به قدرت گیری سوسیالیست ها در فرانسه، زمینه همکاری رژیم عراق که تمایلات سوسیالیستی داشت با فرانسه افزایش یافت. دولت جدید سوسیالیست فرانسه حمله اسرائیل را به راکتورهای اتمی عراق (خرداد ۱۳۶۰) محکوم کرد و میتران قول داد فرانسه در عملیات بازسازی این راکتورها مشارکت کند. کلود شسون که از اواخر سال ۱۹۸۱ تا ژوئیه ۱۹۸۴ وزیر خارجه فرانسه بود پس از کناره گیری از مقام خود در مصاحبه با یکی از روزنامه های عرب زبان چاپ لندن اظهار داشت: «ما در اوایل سال ۱۹۸۰ سعی کردیم حوادث و رخدادها را در چارچوب گسترده ای مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. در واقع خطرناک ترین پدیده در جنگ خلیج فارس این بود که کشور بزرگی در منطقه مانند ایران که سیاست

منظور تحقق آزادی گروگان‌های فرانسوی در بیروت، در صدد بود از تحریک ایران خودداری نماید، اما تحویل هواپیماهای میراژ F-1 به عراق در سال ۱۳۶۶ مؤید موضع گیری و جانبداری از عراق بود. در این زمان فرانسه رفتار خود را منطقی و صحیح تصور می نمود. این رفتار به فرانسه اجازه داد تا به وسیله حمایت پنهانی و کمتر آشکار از عراق اولاً نفوذ خود را در خلیج فارس توسعه دهد و ثانیاً از یک وجهه دوستی در میان کشورهای عربی برخوردار شود که در بهرهمندی از امکانات منطقه بسیار موثر بود.

هنوز ادامه دارد، از دیگر اقدامات فرانسه در ۸ سال جنگ و بعد از آن می باشد.

برخی از منابع خبری، فرانسه را تأمین کننده نیازهای نظامی عراق در طول جنگ می دانند و برخی دیگر آن را در رتبه دوم بعد از شوروی قرار می دهند. اما آنچه حائز اهمیت است اینکه در مقایسه با سایر کشورها غربی، بیشترین تسلیحات مورد نیاز صدام از سوی فرانسه تأمین و ارسال شده است. فرانسوی ها منابع استراتژیک و توانایی های مالی لازم برای تقویت عراق را در اختیار داشتند و به همین دلیل از شهریور ۱۳۵۹ فروش تسلیحات نظامی فرانسه به عراق به ۶/۵ میلیارد دلار رسید و ۷/۴ میلیارد دلار نیز در قالب قراردادهای بازرگانی و غیر نظامی میان دو کشور منعقد شد که دست کم ۷ میلیارد دلار از مجموع این معاملات به صورت وام و اعتبارات بود. در سال ۱۹۸۲، ۴۰ درصد از صادرات تسلیحاتی فرانسه به عراق ارسال شد. هواپیماهای میراژ F-1، موشک های هوا به هوا، موشک های اگزوست 93-AM از جمله کمک های تسلیحاتی فرانسه به صدام بود. حمایت دولت فرانسه از رژیم صدام از جنبه تسلیحاتی تا آنجا پیش رفت که این کشور به دلیل محدودیت هایی که برای فروش هواپیماهای پیشرفته سوپراتاندارد داشت، برای تقویت قدرت هوایی عراق، جهت حمله به نفتکش ها و پایانه های نفتی ایران در خلیج فارس چند فروند از این هواپیماها را به صورت اجاره در اختیار صدام قرار داد. به این ترتیب فرانسه با حمایت های خود از عراق، خود را درگیر یک بحران در منطقه خلیج فارس ساخت که تأثیر آن بر اقتصاد فرانسه بسیار سنگین بود.

به طور کلی در طول جنگ ایران و عراق سوسیالیست های فرانسه از عراق در برابر ایران حمایت نمودند. هر چند در سال ۱۳۶۵ با برقراری مجدد روابط عادی بین ایران و فرانسه، از کمک های نظامی به عراق کاسته شد؛ با وجود این، شکی نیست که دولت فرانسه به

یادداشت ها

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۵/۳۱.
۲. غلامرضا بابایی، «نگاهی به مناسبات سیاسی ایران و فرانسه»، مجله سیاست خارجی ویژه اروپا (۱)، سال سیزدهم، بهار ۱۳۷۸، ص ۴۷.
۳. همان، ص ۵۰.
۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۵/۳۱.
۵. منوچهر پارسادوست، نقش سازمان ملل متحد در جنگ ایران و عراق، تهران: انتشارات سهامی، ۱۳۷۱، صص ۱۸۳-۱۸۶.
۶. محمد درودیان، جنگ؛ بازایی ثبات: تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، جلد ۲، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و جنگ سپاه، زمستان ۱۳۷۸، صص ۷۸-۸۱.
۷. آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، «تحلیل تهاجم عراق به ایران در سال ۱۹۸۰، یک رویکرد غربی»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۷۹، ص ۶۱.
۸. درودیان، پیشین، ص ۱۵۶ و صص ۵-۱۶۴.
۹. آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، پیشین، ص ۶۳.
۱۰. علیرضا معیری، «سیاست خاورمیانه ای فرانسه پس از جنگ جهانی دوم»، مجله سیاست خارجی، سال اول زمستان و پاییز ۱۳۶۴، صص ۲۵۱-۲۶۱.
۱۱. بابایی، پیشین، ص ۵۰.

- محمدرضا گلشن پژوه، حسین سفید کلاهی خیابان، عباس کاردان، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران، صص ۴۷۳-۴۷۵.
۲۹. بزرگمهری، پیشین، صص ۴۳-۴۲.
۳۰. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۶/۱۵.
۳۱. علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۸.
۳۲. بابایی، پیشین، ص ۴۳.
۳۳. کنت آرتیمرم، سوداگری مرگ، غرب چگونه عراق مسلح ساخت، ترجمه: احمد تدین، تهران: انتشارات خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۹، صص ۲۷۷-۲۷۹.
۳۴. بزرگمهری، پیشین، ص ۴۳.
۳۵. همانجا.
۳۶. حسین اردستانی، جنگ عراق و ایران، رویارویی استراتژی های: تأثیر تحولات نبرد جنگ ایران و عراق بر سیاست قدرت های بزرگ، تهران: انتشارات دوره عالی جنگ سپاه پاسداران، ۱۳۷۸، ص ۱۲۷.
۳۷. جمشید ممتاز، «امنیت دسته جمعی شورای امنیت و جنگ ایران و عراق، دیدگاه ایرانیان»، مجله سیاست خارجی، سال ۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۴، ص ۱۶۱.
۳۸. احمد نقیب زاده، «فرانسه و خاورمیانه از ۱۹۴۵ تا امروز»، سلسله مقالات خاورمیانه شناسی، شماره ۲۱، بهمن ۱۳۷۷، صص ۳۹۹-۴۰۱.
۳۹. فریدمن، پیشین، صص ۴۷۴-۴۷۳.
۴۰. نقیب زاده، پیشین، ص ۲۳.
۴۱. تیمرم، پیشین، صص ۴۰۱-۳۹۹.
۴۲. فریدمن، پیشین، صص ۴۷۴-۴۷۳.
۴۳. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۳/۵/۱.
۴۴. رفیق السامرای، ویرانی دروازه شرقی، ترجمه: عدنان قارونی، تهران: انتشارات مرکزی فرهنگی سپاه، ۱۳۷۷، ص ۱۵۵.
۴۵. اردستانی، پیشین، ص ۲۸.
۴۶. اکبر مهدی زاده، «مبانی فکری و نظری سیاست خارجی در

12. Frances economic this to Iraq (february/2003).

Retrieved from: www.bbcnews.com.

13. Simons, Geoff, "Iraq Fromssumer to Saddam"

London: The Macmillan Press, 1994, P158.

۱۴. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۲/۳.
۱۵. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۲/۲۱.
۱۶. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۶.
۱۷. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۱۵.
۱۸. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۷.
۱۹. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۲۹.
۲۰. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۷/۱۲ و ۱۳.
۲۱. بابایی، پیشین، ص ۵۰.
۲۲. کامیاب منافی، فرانسه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، صص ۱۸۱-۱۸۲.
۲۳. حسین یکتا، «مواضع قدرت های بزرگ و جنگ ایران و عراق و موقعیت بین المللی پایان جنگ»، فصلنامه بررسی های نظامی، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۷۲، ص ۱۲۵.
۲۴. جمعی از محققین، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین المللی (مجموعه مقالات دفاع مقدس)، تهران: انتشارات و مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، صص ۱۷۷-۱۸۰.
۲۵. محمد درودیان، علل تداوم جنگ و نقد و بررسی جنگ ایران و عراق (۳)، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۸۲، صص ۱۲۲-۱۲۳.
۲۶. مجید بزرگمهری، اتحادیه اروپایی در دو دهه اخیر، تأثیر همگرایی اروپایی بر ساختار نظام های ملی (فرانسه و انگلستان)، قزوین: دانشگاه بین المللی امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۴۱.
۲۷. محمد درودیان، پایان جنگ (بررسی تحلیلی رویدادهای سیاسی- نظامی جنگ از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹، صص ۲۹-۳۱.
۲۸. آلن فریدمن، «دعای ایران بررسی کمک ها و حمایت غرب به ویژه آمریکا از صدام حسین در جنگ تحمیلی»، ترجمه:

- دوران جنگ»، فصلنامه نگین ایران، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۱، ص ۵۶.
۴۷. بزرگمهری، پیشین، ص ۴۴.
۴۸. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۴/۴/۲۹.
۴۹. مهدی انصاری، یحیی فوزی، علیرضا لطف‌ا... زادگان، روزشمار جنگ ایران و عراق: ماجرای مک فارلین؛ جلد ۴۴، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، صص ۹۲-۹۳.
۵۰. منافی، پیشین، صص ۱۸۵-۱۸۶.
۵۱. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶/۴/۲۵.
۵۲. منافی، پیشین، صص ۱۸۵-۱۸۶.
۵۳. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۴/۱۰.
۵۴. اداره کل امور حقوقی وزارت امور خارجه، تحلیل بر جنگ رژیم عراق علیه ایران (جلد دوم)، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۱۰۷.
۵۵. کردزمن و واگنر، پیشین، ص ۶۸.
۵۶. آندره گاتری و ناتالیتوروتی، جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰) و حقوق جنگ دریایی، مترجمان: احمدرضا ملک محمدی نوری، سعید نائب، احمدسالاری، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۴، صص ۴۲۹-۴۳۳.
۵۷. محمود یزدان فام، اسکورت نفتکش‌ها (از مجموعه کتاب‌های روزشمار جنگ)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، ص ۷۸.
۵۸. گاتری و روتیتی، پیشین، صص ۴۳۸-۴۴۱.
۵۹. یزدان فام، پیشین، ص ۵۲.
۶۰. گاتری و روتیتی، پیشین، ص ۴۴۱.
۶۱. همان، صص ۸۲-۸۳.
۶۲. جاوید علی، «کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق»، فصلنامه نگین ایران، سال دوم، شماره ۸، بهار ۱۳۸۳، صص ۶۲-۶۳.
۶۳. همان، صص ۶۵-۶۹.
۶۴. مهدی زاده، پیشین، صص ۵۶-۵۷.
۶۵. پارسا دوست، پیشین، صص ۶۷۰-۶۷۶.
۶۶. صالح رضایی پیش رباط، «حادثه ایرباس از آغاز تا پایان»، فصلنامه نگین ایران، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۲، ص ۵.